

رهایی یافته از

مرگ، فقر و بیماری

## فهرست مندرجات

	۱- نجات از بلای فقر
	۲- نجات از بلای بیماری
	۳- نجات از بلای مرگ

## فصل ۱

### نجات از بلای فقر

عیسی مسیح ما را از بلای قوانین طبیعی نجات داده است. بلای قوانین طبیعت چیست؟ تنها راه درک آن برگشتن به قانون است. عبارت "قانون" که در شواهد جدید یافت شده است معمولاً به تورات موسی، یعنی پنج کتاب اول کتاب مقدس مربوط می شود. وقتی به این کتابها یعنی قانون رجوع می کنیم درمی یابیم که بلا یا مجازات بخاطر شکستن قانون خداوند به سه قسمت است: فقر، بیماری و مرگ ثانویه.

MOTHY: اول تیموتائوس ۸:۴

کار بدنی بهره کمی دارد ولی تقوا و پرهیزکاری برای همه سودمند است و وعده زندگی و حیات را میدهد که اکنون در جریان بوده و بعداً نیز ادامه خواهد داشت.

برخی مردم بر این باورند که ما وعده رحمت و برکت، به شکل مادی یا شکل های دیگر را نداده ایم ولی این کتاب مقدس قطعاً بیان می کند که ما این وعده را داده ایم.

همچنین در کتاب تثتیه چنین نوشته شده است. تثتیه ۲۸ : ۱۵-۱۷ و ۳۸-۴۰  
بر طبق اظهارات Deuteronomy 25:15-17,38-40، بلای فقر بر فرزندان خداوند نازل می شود اگر از او سرپیچی کنند. این بلایی است که به آنها نازل می شود و چون آنها در انجام دستورات و احکام او کوتاهی کرده اند.

پولی در نامه ای به کلیسا در فیلیپیان می گوید (فیلیپیان ۱۹:۴) همه نیازهای شما شامل نیازهای مالی، مادی و دیگر نیازهاست. در واقع در این فضا، پولس در باره چیزهای مالی و مادی صحبت می کند.

عیسی مسیح خود می گوید (متی ۳۳:۶) ماکوت و این چیزهایی که به شما اضافه خواهند شد چیزهای مادی در زندگی، چیزی برای خوردن، پوشیدن و غیره است.

بنظر می رسد که برخی مردم بر این باورند که اگر یک فرد مسیحی باشد، یعنی که معتقد به خداوند باشد، این نشانه ای از فروتنی، نشانه ای از پرهیزگاری برای کسی است که در فقر زندگی می کند و هیچ چیزی ندارد. آنها فکر می کنند شما باید در حالی قدم به زندگی بگذارید که نوک کلاهتان پاره شده باشد، ته کفشتان پاره شده باشد و شلوارتان هم پاره شده و یا اینکه وصله داشته باشد و قادر به گذراندن روزگار نباشید.

ولی این چیزی نیست که عیسی مسیح می گوید: او می گوید «نخست مالکیت و سلطنت خداوند و عدالت او را جستجو کنید؛ و همه این چیزها به شما اضافه خواهد شد. چیزی از شما گرفته نمی شود؛ او می گوید آنها به شما اضافه خواهند شد! خداوند را ستایش کنید.

Kuke لوقا ۶:۳۸

دادن؛ و این به شما داده خواهد شد؛ معیارهای خوب درهم فشرده می شوند و با هم تکان داده می شوند و دوباره مرور می شود و شما بشریت را در

آغوش خواهید گرفت. با چنین معیارهاست که مجازات می شوید وانگهی این معیارها برای شما هم بکار گرفته خواهد شد.

نخست اجازه بدهید این سوال را بپرسیم: آیا این حقیقت دارد؟ آیا مسیح حق را می گوید یا او دروغ می گوید؟ من معتقدم که این حقیقت است، آیا شما هم اینطور فکر می کنید؟ اکنون توجه کنید که او می گوید «بشریت» البته خداوند در پشت آن است، ولی او می گوید «بشریت را در آغوش خواهید گرفت».

بعه یاد می آورم که دوستی مدتی پیش سوالی از من پرسید "برادر Hagin، آیا تا کنون از موعظه های Luck (انجیل لوقا ۶:۳۸) استفاده کرده ای؟ من پاسخ دادم خوب من از کتاب مقدس استفاده کرده ام. نمی دانم شاید تا کنون از آن مربی یک متن استفاده کرده باشم ولی بارها در موعظه هایم نقل قولهایی را بیان کرده ام.

این مرد پاسخ داد خوب اخیراً ما در کلیسایمان، کشیشی داشتیم که در یک گروهم آبی دو هفته ای موعظه می کرد و هر شب به آن کتاب مقدس اشاره می کرد. یک شب سخنرانی در باره آن کرد. تو میدانی من تا زمانی که او اینقدر روی آن آیه مقدس تاکید نکرده بود، هرگز زیاد در باره آن فکر نکرده بودم. سپس در آخرین جلسه این گروهم آبی، بعد از اینکه کشیشی ما پیشکش ها و هدایایش را دریافت کرده بود، موعظه گرگفت "مردم من تحت تاثیر روح خداوند قرار گرفته ام تا هدیه ای را برای این کلیسا دریافت کنم که در سیستم تهویه هوای اینجا قرار داده شده است.

دوست من که در مدرسه انجیل مردان تدریس می کرد، کلاسی در حدود ۱۰۰ نفر، به گفتن من در باره جلسه شب آخر ادامه داد. موعظه گر انجیل به عبادت کنندگان که در حدود ۱۸۰۰ نفر بودند گفت: من می خواهم امشب ۱۰۰۰۰ دلار را بدست بیاورم. این مبلغ زیاد است، میدانم و شما در طول این گردهم آیی هم مبالغی را پرداخت کرده اید ولی من می خواهم با شما وارد گفت شوم. او این آیه را که هر شب برایمان ذکر می کرد دوباره خواند. "بدهید و این به شما برگردانده خواهد شد.

سپس او گفت "من نمی خواهم هرکسی هر چیزی که در اختیار دارد، بدهد، هرآنچه را که در اختیار ندارید بدهید. اگر احساس می کنید ۵۰ دلار دارید ولی ۱۰۰ دلار نداید، ۱۰۰ دلار بدهید. اگر فکر می کنید می توانید تا ۵۰۰ دلار را بدهید نه ۱۰۰۰ دلار، ۱۰۰۰ دلار را بدهید. در اینجا برکت بوجود می آید و این حقیقت دارد.

سپس او اضافه می کند من کتاب مقدس خود را در قربانگاه قرار می دهم و از شما می خواهم که به آنجا بیایید و پولتان را روی این آیه از کتاب مقدس قرار دهید و بگوئید، خداوند عزیز، من طبق گفته تو عمل می کنم." من فقط از تو طلب حاجت می کنم ولی من می دانم خداوند آن را به تو برمی گرداند. این برای تو موثر واقع خواهد شد. واگر چنین نشد من خواهم دید که تو پولت را دوباره بدست می آوری و هیچ چیز در باره آن گفته نخواهد شد.

معلم مدرسه یکشنبه گفت: "برادر Haig، تعدادی تاجر در کلاس من وجود دارند. دو تا از آنها قبل از اینکه من درخواستم را بیان کنم، نزد من آمدند چون تجارت آنها در حال ورشکستگی بود. آنها گفتند که مجبورند تجارتشان پایان دهند مگر خداوند ظرف ۳۰ روز کاری برایشان انجام دهد.

او ادامه داد: برادر Haig، من شاهد بودم که یکی از آن دو مرد ۵۰۰ دلار و دیگری ۲۵۰ دلار داد. این پول قرضی بود ولی ظرف ۳۰ روز هر دو تاجر از مرز بحران عبور کردند. خداوند برکت بی حد و اندازه ای به آنها نازل کرد.

عیسی مسیح در ملاکی ۱۰:۳ این کلمات را بیان می کند. یک دهم کل محصولات کشاورزی تان را به انبار بیاورید که ممکن است در خانه من گوشت باشد و اکنون به این وسیله به من ثابت کنید و به سرور میزبانان بگوئید که آیا من دربهای بهشت را به روی شما باز نخواهم مرد و رحمت را به شما نازل نمی کنم.

در واقع ما تا زمانی که محصولات کشاورزی مان را نپرداختیم، چیزی دریافت نکرده ایم.

یک دوست به من گفت: برادر Hagin، فقط باید چیزهایی پرداخته شود (کتاب عهد عتیق) بیان شده است. این تنها تحت قانون موسی است. آیا شما آن را می شناسید؟

من دوست ندارم بی توجهی خود به تورات را با بیان چنین عبارتی در معرض دید قرار دهم. ابراهیم ۵۰۰ سال قبل از اینکه این قانون موسی خطاب شود یک

دهم از دارائی محصولات خود را می پرداخت. یعقوب ۲۵۰ سال قبل از آن نیز یک دهم از دارائی های خود را کی پرداخت.

شخصی گفت: بله ولی در کتاب مقدس در انجیل در باره پرداخت یک دهم از دارایی های خود وجود ندارد."

آن مردم باید یاد بگیرند کتاب عبرانیان ۸:۷ را بخوانند. در آن چطور؟  
(عبرانیان ۸:۷) این انجیل است آیا اینطور نیست؟  
این در باره مسیحیت صحبت می کند.

برکت ابراهیم متعلق به ماست

تقریباً هر بار که چیز خوبی از گفتار خداوند بدیت می آورید یا وعده یک چیز خوب و یک کتاب مقدس محقق می شود، کسی پیدا می شود و می گوید: "این فقط برای یهودیان است. این امروز برای ما نیست."

می خواهم بدانید که برکت ابراهیم به ما تعلق دارد. این فقط به فرزندان فیزیکی ابراهیم تعلق ندارد. این به ما تعلق دارد.

به خاطر بیاورید که چگونه این آیه (غلاطیان ۴: ۱۴ و ۲۹) می گوید:

برکت ابراهیم متعلق به ماست. نمی توانند آن را از ما بگیرند. آن افراد مشکوک، ناباوران، از بین برندگان خوشی و لذت و اشاعه دهندگان شک و تردید قادر به گرفتن آن از ما نمی باشند. برکت ابراهیم از آن ماست. برکت ابراهیم از آن شماسست و این از طریق عیسی صورت می گیرد. هلولیا برای اوست. حمد و تسبیح و برکت ابراهیم یک برکت سه قسمتی است. اولین چیزی



که خداوند به ابراهیم وعده داده این است که خداوند او را غنی و ثروتمند خواهد کرد.

آیا منظورتان این است که خداوند همه ما را ثروتمند خواهد کرد؟ بله منظورم همین است.

آیا منظورتان این است که او همه را میلیونر خواهد کرد؟ نه من این جمله را نگفتم.

بلکه او همه ما را غنی و ثروتمند خواهد کرد. شاید نتوانید معنی "غنی" را درک کنید. در فرهنگ لغت معنی این کلمه "تامین کامل" یا "تامین نیاز به اندازه فراوان" است. خداوند را ستایش کنید. از طریق عیسی مسیح به تامین کامل می رسید.

من زمانی یک ماشین نو داشتم ولی مصرف بنزین بر حسب مایل آن خوب نبود فقط در حدود  $13\frac{1}{4}$  mpg در یک آزادراه. شهرت و آوازه این ماشین خاص در مصرف بنزین بر حسب مایل بسیار زیاد بود. بنابراین آنها به آن یک تون آپ موتور اضافه کردند و شمع های متراکم ساز آن را تعویض کرده و کاربراتور آن را نیز بررسی کردند.

درحالیکه نگاه می کردم، مکانیک به من گفت: کشیش، در اینجا یک اشتباه وجود دارد، من نمی دانم چرا آنها این کار را انجام داده اند ولی در این مدل، آنها کاربراتور را عوض کرده اند. تنظیماتی داخلی آن مثل تنظیمات خارجی

است. در حالت وجود توان (نیرو) کم یا زیاد قابل تنظیم می باشد. در این مورد، در حالت توان زیاد تنظیم می شود. این بخش برای بدست آوردن یک منبع تغذیه کامل تنظیم می شود.

خداوند به ما یک توشه اندک را وعده نداده است، بلکه به ما وعده یک توشه و اندوخته غنی را داده است. این به میزان فراوان برای ما فراهم می شود. خداوند را زیاد ستایش کنید.

من چندین سال قبل در یک دهکده کوچک در New Jersey در یک گروه آیی به کشیش A.A.Swift که از کلیسای وابسته به فرقه های پندیکاست بود موعظه هایی را بیان کردم. در آن زمان او هفتاد ساله بود. من در راستای این خطوط در آن روزها موعظه نکرده بودم. من در باره آن و موضوعات مربوط به آن موعظه کردم. می دانستم که حقیقت دارد. ولی هیچ کس دیگری موعظه نکرده بود که خداوند ما را از بلای فقر نجات داده است بنابراین نمی دانستم که آیا باید آن را آشکار کنم یا نه.

چون می دانستم که برادر Swift از خداپرستان (مردان خدا) است و یک مسیحی پندیکاستی، و یکی از سرشناس ترین موعظه کنندگان کتاب مقدس است و از تعالیم در باره برخی از این آیات کتاب مقدس با او صحبت کردم.

او گفت: "برادر Hagin شما قطعاً درست می گوئید". شما باید هر جا می روید موعظه کنید خداوند وعده داده است که همه ما را به ثروت شکوهمند خود غنی خواهد کرد."

سپس او گفت "بگذار به تو بگویم که چگونه این موضوع را دریافتم. من در سال ۱۹۰۸ روح مقدس را دریافت کردم و در سال ۱۹۱۱ من و همسر من بعنوان مبلغان مذهبی به چین رفتیم. (زمانی که یک سازمان برای چهار کتاب اول عهد جدید یا یک چرخه وابسته به فرقه های مذهبی مسیحی موکد روح القدس وجود داشت). من در لندن متولد شدم و در آنجا بزرگ شدم، به کانادا آمدم و سپس به ایالات متحده آمریکا رفتم و یک سازمان هیئت مبلغین از ما حمایت کرد آنها سالانه ۱۲۳۶ دلار به ما می دادند یعنی ۱۰۳ دلار در یک ماه. و ما سال ۱۹۱۱ را بعنوان مبلغ در چین گذرانیدیم.

ولی هر وقت که می خواستم عبادت کنم، من جایی پنهانی برای عبادت‌هایم داشتم، روح خدا بر قلب من غلبه می کرد و به من می گفت: از کار خود کناره گیری کن. اگر مردم بدانند که شما به زبانها صحبت می کنید، از تو پشتیبانی نخواهند کرد چون آنها باور نمی کنند که صحبت کردن به زبانها از غسل تعمید یا تجربه روح القدس است. تو ساکت مانده ای که چیزی شبیه به دریافت پول تحت مردم فریبی نابجاست. شما نمی توانید هرآنچه را که کتاب مقدس تعلیم میدهد موعظه کنید.

به طور مخفیانه شاید بتوانی آن را در تعداد کمی از مردم بست آوری ولی اگر حقیقت را آشکار کنی و آن را موعظه نمایی، به هدف دست خواهی یافت. من از تو می خواهم که حقیقت و حق کامل را موعظه کنی.

در نهایت برادر Swift از خداوند پرسید "خداوندا، من چه کار باید بکنم؟" اگر من این کار را انجام دهم همسر و فرزندانم در چین بدون پشتیبان و حمایت می مانند، در سال ۱۹۱۲ در آمریکا نیز همینطور بدون پشتیبان خواهیم ماند. من چه کاری باید بکنم؟

خداوند به او پاسخ داد "من از تو می خواهم که این سمت مبلغی را به خود آنها برگردانی. دزدیدن این از آنها برای تو خوب نیست. به جای دیگری برو و یک کار جدید را آغاز کن.

"خداوندا، شروع یک کار جدید در چین در سال ۱۹۱۲ بدون هیچ پشتیبانی؟"

"این چیزی است که من از تو می خواهم"

"خداوندا: ما هرگز چنین کاری نمی کنیم."

"آیا تو نمی دانی که من وعده دادم که تو را غنی خواهم کرد؟"

برادر Swift پاسخ داد "اگر شما اینکار را انجام داده ای، من از آن آگاه نبودم" ولی قطعاً از دانستن آن خوشحال خواهم شد.

سپس روح خداوند پرسید "آیا (غلاطیان ۳:۱۳ و ۱۴) (Ghalatians 3:13,14) را خوانده ای که می گوید عیسی مسیح تو را از بلای قوانین طبیعی که تبدیل به یک بلا برای تو شده است نجات داده است و اینکه برکت ابراهیم به غیر یهودیان نازل خواهد شد؛ اولین چیزی که من به ابراهیم وعده دادم این بود که او را غنی خواهم ساخت.

وقتی برادر Swift موضوع را ربط داد، به من گفت "پس همه چیز در دسترس من خواهد بود. من کتاب مقدس خود را می آورم و آن را می خوانم و به اندازه کافی اطمینان دارم که این حقیقت دارد. من استعفایم را می فرستم و به جای دیگری می روم و یک کار جدید را آغاز می کنم. برای شش ماه اول، سخت خواهد بود. فکر نکن که مورد آزمایش قرار نخواهی گرفت. وظایف پیش خواهد آمد، آزمایش افزایش خواهد یافت و اینگونه بنظر می رسد که عمل نکردن به معنی درست نبودن و حقیقت نداشتن نیست. خداوند همیشه هر شب یکشنبه نتیجه کار را بدستت نمی دهد. ولی می خواهم بگویم که دیر یا زود این کار را می کند. دیر یا زود رسیدن به نتیجه عمل فرا می رسد.

مردم تصور می کنند که از گناه گریخته اند چون یک هفته به انجام آنم مرتکب نشده اند و داوری صورت نخواهد گرفت. آنها دو هفته به این کار ادامه می دهند و داوری صورت نمی گیرد. آنها یک ماه یا بیشتر به این کار ادامه میدهند و قضاوت صورت نمی پذیرد. آنها احساس بهتری می کنند. می گویند بنظر می رسد که من آن را پشت سر گذاشته ام. ولی می خواهم به تو بگویم که دیر یا زود خواهد آمد.

برادر Swift برای شش ماه اول آن سال به من گفت به نظر می رسد که همسر، خودم و دو فرزند کوچکم در چین از گرسنگی خواهیم مرد، در انگلستان هیچ حمایتی از ما نخواهد شد و هیچ کس در آمریکا از ما پشتیبانی نخواهد کرد ما چه کار می توانیم بکنیم؟

"خوب من ساکت و آرام ماندم. من زیاد عبادت نکرده بودم. گفتارهای خداوند را به خاطر آوردم. من می دانم که او کاری خواهد کرد.

:وقتی آن سال سپری شد و من بررسی کردم دیدم که خداوند به من ۳۷۵۰ دلار داده است.

در سال ۱۹۱۲، ۳۷۵۰ دلار مثل داشتن ۱۵۰۰۰ دلار یا بیشتر در حال فعلی بود. او در یک سال ۱۲۳۶ دار به دست آورده بود. این سال، او سه برابر این مبلغ را به دست آورد. خداوند وعده داد که او را غنی خواهد کرد. خداوند را ستایش کنید.

دوستان شما میدانید که بیشتر ما فقیر نیستیم چون خداوند را داریم ولی او را محترم نمی شماریم.

این برای اثبات این موضوع، آیه هایی را به شما ارائه خواهد داد).

کسی گفت "بلی ولی برادر Hagin من از پول هراس دارم.

پرسیدم چرا؟

کتاب مقدس می گوید که پول ریشه همه شرهاست. (اول تیموتائوی ۶:۱۰)

کتاب مقدس هرگز این را نمی گوید. کتاب مقدس می گوید عشق داشتن به پول ریشه همه شرهاست. شما ممکن است مجرم به انجام گناهی باشید درحالیکه حتی یک سکه ده سنتی هم ندارید.

داشتن پول، اشتباه نیست. اینکه شما در اختیار پول باشید، اشتباه است.

اگر پول سرور کسی شود، این اشتباه است. ممکن است یک مرد آنقدر عاشق پول باشد که هرکجا می رود و به هر طریقی که می تواند پول بدست آورد. اگر شما دستهای او را قطع کنید او با انگشتان پایش این کار را انجام میدهد. اگر شما انگشتان پای او را قطع کنید با دندانهایش این کار را می کند. اگر شما دندانهایش را بکشید، با لثه آن را خواهد جوید. به هر طریقی آن را بدست خواهد آورد. پول سرور اوست.

کتاب مقدس می گوید که نقره و طلا از آن خداوند است (حجی ۲:۸ - کتاب مقدس) می گوید دام ها در هزاران دسته، از آن خداوند است. مزامیر ۵:۱۰ ولی چرا خداوند همه این چیزها را در اینجا قرار داده است؟ قطعاً او آنها را برای انسانهای شریر و تبهکار قرار نداده است. اگر اینکار را می کرد پس او فرزندان شرور و تبهکار را بیشتر از فرزندان خود دوست می داشت.

این کار مثل این است که مردی به بچه های خود غذا ندهد و آنها را گرسنه نگه دارد و اجاره اش را نپردازد درحالیکه به خیابان برود و اجاره زن دیگری را بپردازد و بچه های زن دیگری را غذا بدهد. خداوند فرزندان شرور را بیشتر از ما دوست ندارد. آیا اینطور نیست؟

کسی گفت "برادر من حدس می زنی من ایوب دیگری هستم. منظور تو از این جمله چیست؟ سپاس خداوند اگر تو ایوب خداوند هستی، می توانی سلامت خود را بدست آوری. ایوب تندرستی خود را بدست آورد.

برخی مردم تصور می کنند: ایوب پسر فقیر زندگی را در بیماری، رنج و درد و مصیبت سپری کرد.

چرا که کتاب ایوب در نه ماه اتفاق افتاد. اگر ایوب دوباره بیمار شد، ما از آن اطلاعی نداریم. در تورات و انجیل هم این موضوع بیان نشده است. و اگر او چنین چیزی را تجربه کرده بود، در کتاب مقدس ذکر می شد.

خداوند بدن او را بهبود بخشید. خداوند همسر دیگری به او داد. خداوند ۱۰ فرزند دیگر به او داد. خداوند دو برابر ثروت قبلی اش به او داد. دو برابر تعداد قبلی، شتر، دو برابر گوسفند، دو برابر گاو نر و دو برابر الاغ. ایوب ۱۴۰ سال دیگر هم عمر کرد. او تا زمانی زنده ماند که توانست فرزندان فرزندانش را تا نسل چهارم ببیند. جلال خداوند به این روش خداوند کارهایتان را به فرجام می رساند. اگر ثروتمند بودن اشتباه است پس خداوند نیز با انجام اینکار (ثروتمند کردن انسانها) اشتباه کرده است.

PROVERBS 19:17

او که به مردم فقر کمک کرده است، به خداوند قرض داده است و آنچه که او برای ترحم به فقیران پرداخت کرده است؛ خداوند به او دوباره برخواهد گرداند.

همیشه کسانی در جامعه وجود دارند که بدبخت هستند. خداوند به ما رحمت فرستاده است و به آنها بهروزی می دهد و نمی خواهد که ما خسیس و پول دوست باشیم. او از ما می خواهد که ما به دیگران کمک کنیم بنابراین خداوند



می گوید: آنهایی که به مردم فقیر رحم می کنند، به خداوند قرض می دهند. اگر خداوند به شما می گفت که من ۱۰۰ دلار می خواهم آیه به او می دادید؟ یا اگر یکی از برادرانتان نزد شما می آمد و ۱۰۰ دلار برای قرض می خواست اگر می توانستید به او وام میدادید؟

هرآن کس که به مردم فقیر رحم می کند به خداوند قرض می دهد. این چیزی است که کتاب مقدس می گوید. و خداوند می گوید "من آن را به شما برخوام گرداند". من معتقدم که او اینکار را خواهد کرد، آیا شما اینطور فکر نمی کنید. من باور نمی کنم که او در این باره دروغ گفته باشد.

چگونه او این قرض را دوباره برمی گرداند؟ من نمی دانم ولی نظریه ای توسط لوقا ۴:۵-۷ بیان شده است. عیسی مسیح قایق شمعون پطرس را قرض گرفت. او با دادن دو کشتی پر از ماهی، قرض او را بازپرداخت کرد. یک موضوع در اینجا مطرح می شود. خسیسی در خداوند وجود ندارد.

من میخوامم کردم بدانند که من جانب خداوند را می گیرم. من در جانب رحمت و برکت هستم. من می خواهم از هرآنچه که در مسیحیت به من تعلق دارد بهره مند شوم. و از شما می خواهم که نوبت خوتان را نگه دارید. اکنون شما می دانید برکت چیست. ستایش باد بر خدا.

## فصل ۲

### رهایی از بلای بیماری

عیسی مسیح (Calua: 3:13) ما را از بلای قوانین طبیعی که به یک بلا برای ما تبدیل شده است نجات داده است

28:15-22-27-39-35-58-61 DEUTERONOMY

ولی این اتفاق خواهد افتاد اگر تو به صدای پروردگارت گوش نداده ای برای شما مشاهده انجام دستوراتش و قوانینش که به شما حکم کرده ام، همه این بلاها به شما نازل خواهد شد و بر شما چیره خواهد شد. بلا درش هر خواهد بود و بلا در مزرعه خواهد بود. بلا در انبار و در سبد توست.

بلا در محصولات کشاورزی و محصولات مزرعه توست، افزایش چهارپایان و گوسفندان دچار بلا خواهد شد.

وقتی وارد می شوید و وقتی بیرون می روید بلا بر شما نازل می شود.

خداوند، بر شما بلا، آزار و اذیت و سرزنش نازل می کند تا وقتی که همه چیز خراب شود و شما به هلاکت برسید. بخاطر شعف در انجام کارها از طریق اینکه شما مرا ترک کرده اید.

خداوند خطرات و بیماری های مهلک را بر شما نازل می کند تا وقتی که هرآنچه را که از دارایی دارید از دست بدهید.

خداوند کاری می کند که با مصرف همه اموالتان با یک تب و یک التهاب و با یک سوختگی شدید، با تندباد شدید و با آلودگی به شما ضربه وارد شود و اینها تا وقتی شما به هلاکت برسید با شما خواهد بود.

خداوند با ویرانی مثل ویرانی مصر و با پوست زخم و با خارش به شما ضربه می زند به طوری که التیام نیابید.

خداوند با دیوانگی، کوری و گرفتگی قلب به شما ضربه می رند.

و شما در روشنائی روز کورمال کورمال راه میروید مثل کورمالی در شب و تاریکی و بهروزی نخواهید یافت و فقط از بین می روید و رنج می کشید و هیچ کس شما را نجات نخواهد داد.

خداوند از طریق زانوهایتان، پاهایتان و درد پشت که قابل التیام نمی باشد از نوک پا تا سر، به شما ضرر خواهد زد. اگر شما همه کارهایی را که در قانون خدا مشاهده می کنید انجام ندهید، از این نام پرافتخار بترسید: پروردگار خداوند سپس خداوند بلا مصیبت را حتی مصیبت های بزرگ، بطور مستمر بصورت بیماری شدید و طولانی بر شما نازل خواهد کرد. او همه بلاهای مصر را که شما از آن وحشت دارید به شما نازل می کند و اینها همیشه با شما خواهند بود.

همچنین هرگونه بیماری و مصیبت که در کتاب تورات نوشته نشده است؛ خداوند بر شما نازل خواهد کرد تا وقتی که همه چیزتان از بین برود.

ما می توانیم از این آیات برداشت کنیم که بیماری یک بلا از قوانین طبیعی است. بیماری های هراس انگیز در اینجا بیان شده اند. در واقع هر بیماری بر طبق آیه ۶۱م، بخشی از مجازات برای شکستن قانون خداوند است.

ترجمه king james از این آیات ما را به باور در این مطلب هدایت می کنند که خداوند خودش بیماری و مصیبت را به مردم نازل می کند چون در کتاب مقدس گفته است که خداوند به شما ضرر خواهد زد.

دکتر Robert Young مولف اشاراتی به تفسیر انجیل و تورات، خاطرنشان کنید که کتاب اصلی یهودیان واژه در حالت مجاز بیان می شود و نه در حالت کلی. در واقع باید چیزی شبیه به این ترجمه شود: "خداوند به شما اجازه می دهد که در معرض ضرر قرار بگیرید. خداوند به این مصیبت ها اجازه می دهد تا بر شما نازل شوند.

بسیاری از عبارات و واژه های دیگر در کتاب King James در حالت علی ترجمه شده اند. برای مثال، در اشعیا ۷:۴۵ می خوانیم: "من نور را بوجود می آورم و تاریکی را خلق می کنم من صلح و آرامش را ایجاد می کنم و شر را خلق می کنم. من، پروردگار، این کارها را انجام میدهم. آیا خداوند شر را بوجود می آورد؟ نه. آن باعث تبدیل خداوند به اهرمن می شود. خداوند به شر اجازه می دهد یعنی وقوع آن را مجاز می گرداند ولی آن را خلق نمی کند.

عاموس ۶:۳ Amos 3:6 در کتاب King James بیان می کند که آیا در یک شهر شیپور دمیده خواه شد و مردم وحشت نخواهند کرد؟ آیا شر در شهر وجود

خواهد داشت و خداوند آن را انجام نداده است؟ اگر خداوند مرتکب شر شود او حق ندارد که در باره گناه مردم قضاوت کند ولی خداوند شر را انجام نمی دهد او تنها آن را مجاز می کند. تفاوت زیادی بین اختیار و اجازه وجود دارد. وقتی شائول پادشاه از خداوند درو شد در کتاب اول سموئیل ۱۶:۱۴ می گوید: روح خداوند از شائول دور و به جای آن یک روح پلید از جانب خداوند او را سخت عذاب می داد.

آنچه که واقعاً اتفاق افتاد این بود که گناه شائول، رابطه او با خداوند را قطع کرد و خداوند به روح شر اجازه داد تا شیطان (اهرمین) به سوی او برود و او را آزار دهد.

زبان اصلی کتاب مقدس در حالت مجازی بود ولی چون زبان انگلیسی هماهنگی با حالت مجازی نداشت افعال یا واژه ها در قالب علی ترجمه شدند. نه، خداوند بلا و مصیبت و بیماری را آنچنان که این آیات نشان میدهد به مردم نازل نمی کند گفتار خداوند این آموزش را نمی دهد که این چیزها مستقیماً از خداوند می آیند.

وقتی مردم از دستورات و قوانین خداوند سرپیچی می کنند تا مدت زیادی تحت حمایت و حفاظت الهی قرار نمی گیرند تنها کاری که او انجام میدهد این است که به اهرمین اجازه می دهد تا این مصیبت ها را به آنها وارد کند. گناه و اشتباهات آنها باعث می شود که به این مصیبت های هولناک به آنها وارد شود.

در کتاب تثنیه فصل ۲۸، چندین بیماری را که به صورت بلا در اثر شکستن قانون خداوند نازل می شود بیان کرده است. برخی از آنها عبارتند از طاعون، سل، تب (شامل همه انواع تب مثل تیفوس، مملک، شبه حصبه، آبله و همه انواع دیگر تب شدید)، پوست زخم، (همه انواع بیماری های پوستی)، خارش، جنون، التهاب، سوختگی شدید، و کوری.

بر طبق آیه ۶۰، ما می توانیم همه بیماری های مصر که از آن هراس دارید را به آن اضافه کنیم و همچنین آیه ۶۱ آن را شامل همه اینها می داند. "همچنین هر بیماری، و هر مصیبتی که در کتاب قانون نوشته شده است."

ما از این کتابهای مقدس نتیجه می گیریم که بیماری و مصیبت و بلا بخشی از بلایای قانون هستند و باید به ما نازل شوند. ولی خداوند را ستایش کنید.

عیسی مسیح ما را از بلای قانون نجات داده است. طبق آیه ۱۳:۱۳

بیماری: برکت یا لعنت؟

آیا بیماری یک برکت است یا یک لعنت؟ گفتار خداوند نشان میدهد که این یک لعنت است. برخی مردم فکر می کنند که خدا فرزندان آنها را با بیماری مشمول رحمت کرده است. (اگر این کار را بکند، من ترجیح می دهم که همگان مشمول رحمت شوند). ولی طبق گفتار خداوند بیماری یک لعنت و سلامتی یک برکت است.

بیماری آرامش را از بین می برد. بیماری رنج و عذاب است. بیماری اعضای خانواده و دوستان را که باید تحت مراقبت قرار بگیرند، به زحمت می اندازد. بیماری و مریضی دشمنان بشریت هستند.

بیماری یک درد است. بیماری سلامت، زیبایی و لذت و خوشی یک مادر جوان را ربوده است. بیماری همسر این زن را از او ربوده است و کودکان را از مادرشان محروم کرده است چون او نمی تواند وظایف مادری و همسری اش را انجام دهد.

بیماری سلامتی بسیاری از مردان جوان را دزدیده است به بسیاری از افراد جوان حمله ور شده است. آنها را دچار خشم و ترس کرده است و شاید ایمانشان را از آنها ربوده است.

بیماری و مریضی شادی، سلامت و پولی را که برای چیزهای دیگر بخ آن نیاز دارند از مردم می گیرد.

بیماری: آیا این خواست خداوند است؟

بیماری و مریضی خواست خداوند برای مردم نمی باشد. او نمی خواهد که فرزندانش بخاطر نافرمانی گرفتار بلا شوند. او می خواهد با سلامتی به آنها رحمت و برکت نازل کند.

بله: برخی مردم به من گفته اند "من معتقدم خداوند شفادهنده یهودیان تحت وعده الی قدیمی بوده و او می خواست فرزندان یهود از سلامت برخوردار باشند ولی ما تحت آن وعده الهی زندگی نمی کردیم.

این حقیقت دارد ولی اگر وعده الهی برای شفا داده محقق شود و وعده الهی جدید یا انجیل محقق نگردد، من تردید دارم که انجیل به خوبی تورات است یا خیر؟ خدا را شکر، کتاب مقدس می گوید که انجیل بهتر است. عبرانیاتن ۸:۶

ولی اکنون او مقام کشیشی فوق العاده ای را بدست آورده است ولی تا چه میزان واسطه یک وعده الهی بهتر بوده است که تحت وعده های بهتر توسعه یافته است.

اجازه بدهید یادآوری کنم که متن ما از انجیل برگرفته شده است. عیسی مسیح ما را از بلای قانون که تبدیل به یک بلا برای ما می شود نجات می دهد. این خواست خدا نیست که ما بیمار باشیم. در روزهای عهد عتیق در کتاب مقدس نیز نوشته شده که این خواست خدا نبود که فرزندان یهود بیمار شوند و آنها خدمتگزاران خداوند بودند. امروز، ما فرزندان خدا هستیم. اگر این خواست خدا نبوده است که خدمتگزارانش بیمار شوند پس خواست خداوند نیز نیست که فرزندان بیمار شوند. بیماری و مریضی از عشق و محبت نشأت نمی گیرد. خداوند منشاء عشق و محبت است.

در انجیل لوقا ۱۳:۱۰-۱۳ و LUKE ۱۶، عیسی مسیح در یکی از کنیسه ها، در روز یکشنبه درس می داد. زنی وارد شد. او مبتلا به التهاب مفصل یا چیزی شبیه به آن بود. پشتش خمیده شده و به هیچ وجه نمی توانست راست بایستد. عیسی مسیح او را به سوی خود فراخواند و به او گفت: "ای زن تو از ضعف و ناتوانی رهایی خواهی یافت اما سرپرست عبادتگاه (کنیسه) بخاطر



اینکه عیسی مسیح زن بیمار را شفا داده بود عصبانی شد، عیسی مسیح گفت "نباید این زن را که دختر ابراهیم است و شیطان او را اسیر کرده است و هجده سال است که او در این اسارت به سر می برد، از این بند در روز یکشنبه رهایی یابد؟ عیسی مسیح گفت این شیطان است که این زن را به اسارت درآورده است.

در موعظه اعمال رسولان ۱۸:۱۰ در خانه کرنیلیوس Peter گفت: خداوند چگونه مسیح ناصری را با روح مقدس و قدرت تدهین کرد: چه کسی این کار خوب را انجام داد و همه آنهایی را که توسط اهریمن به اسارت درآمده بودند بهبود بخشید. چون خداوند با او بود.

این کتاب مقدس نشان میدهد که مردمی که عیسی مسیح آنها را بهبود بخشید توسط شیطان به اسارت درآمده بودند. برخی مردم باعث می شوند که شما باور کنید خداوند بیماری را برای نزول رحمت به آنها می دهد. آنها می گویند از گردهم آیی هایی که در آن مردم برای بهبود و شفای بیماری عبادت می کنند دور باش. اینها همه از شیطان است. اگر آنها راست می گویند پس خداوند و شیطان باید به تازگی کارشان را با هم عوض کرده باشند. دو هزار سال قبل شیطان مردم را اسیر می کرد و عیسی مسیح آنها را شفا میداد.

-کتاب مقدس به ما می گوید (عبرانیان ۸:۱۳) عیسی مسیح دیروز، امروز و فردا هیچ تغییر نکرده و نخواهد کرد. عیسی مسیح هرگز تغییر نخواهد کرد. از آغاز تا پایان دوره روحانیت او، عیسی مسیح با اهریمن مبارزه کرده است.

مبارزه او با بشریت نبوده است بلکه با شیطانی بوده است که مردم و بشریت را دربرگرفته اند.

یوحنا ۱۴:۱ و عبرانیان ۱:۱ و ۲ بخاطر داشته باشید که عیسی مسیح در موقع حیات خود در روی زمین به خواست و اراده خداوند عمل می کرده است. آمد تا خداوند را به ما معرفی کند. او کلمه خداوند است. او خدایی است که با ما حرف می زند. اگر می خواهید بدانید که خداوند در باره بیماری چگونه فکر می کند، به عیسی مسیح نگاه کنید. او بیماری را شفا می داد.

ISAIAH 53:4,5

قطعا او بیماری های ما را به دوش کشیده و مریضی های ما را متحمل شده است، ما به او نبودن یک مصیبت زده احترام می گذاریم، او از سوی خدا کیفر شده و متحمل رنج شده است.

ولی او بخاطر گناه و تخلف ما آسیب دید. او بخاطر شرارت ما مضروب شد، تنبیه آرامش ما روی او اعمال شد، و با تازیانه های او ما شفا می یابیم.

متی بخشی از این کتاب مقدس را بیان می کند:

متی ۱۷:۸

هرآنچه که توسط عیسی مسیح گفته شده انجام گرفته است او می گفت بیماری ما را تحمل می کند و به دوش می کشد و ضعف و ناتوانی ما را به خود می گیرد.

روح القدس در زمانهای گذشته اشاره به عیسی مصلوب می کند.

اول پطرس ۲:۲۴ چه کسی گناهان ما را در بدنش روی درختان به دوش می کشد و از این گناهان می میرد، او باید در پرهیزکاری زندگی کند.

من از آثار دکتر John Alexander Dowie در باره اینکه او چگونه نور را تحت سلطه شفای الهی دریافت می کردم خوانده ام.

دکتر Dowie کشیش یک کلیسای محلی در Newton، یک دهکده از sudney، Australia در زمانی بود که طاعون خیارکی در سال ۱۸۷۵ به آنجا حمله کرد. مردم مثل مگس می مردند. دکتر Dowie، ۴۰ نفر از افراد محلی را در کمتر از یک ماه دفن کرد. چهار نفر دیگر نیز مردند و دفن شدند و تعدادی زیادی مورد حمله طاعون قرار گرفتند. هیچ راه علاجی وجود نداشت.

یک روز دکتر Dowie بعد از ویزیت کردن بسیاری از بیماران خود به خانه برگشت و پشت میز مطالعه خود نشست و متنهایش را روی میزش تا کرد و سرش را روی دستهایش گذاشت و در مقابل خداوند گریست او فریاد زد "خدایا همه دارند می میرند. آیا تو جان آنها را نجات نمی دهی؟ این طاعون از کجا آمد؟ آیا تو خالق آن بودی؟ بنظر خانواده اش او بیماری قلبی داشت و قلب او بخاطر وجود این بیماری به درد می آمد؛ اما او بخاطر کودکانی که بی پدر و مادر می شدند به درد می آمد.

سپس گفتارهای روح القدس که در اعمال رسولان ۱۰:۲۸ الهام شده بود به شکلی که کل آن با نور پرتوتابی شده بود ایستاد، اهریمن را مثل یک منبع شر نشان داد و عیسی مسیح را بعنوان یک شفادهنده معرفی کرد. دکتر Dowie

گفت: اشکهای من خشک شده است. قلبم از سنگ شده است. من راه شفا را دیدم و راه رسیدن به آن باز شده است بنابراین می گویم خدایا به من کمک کن تا تو را ستایش کنم و گفته های تو را برای همه آنهایی که در این اطراف در حال مردن هستند موعظه نمایم و به آنها بگویم که چگونه شیطان از بین می رود و عیسی مسیح رهایی می دهد چون او امروز هم مثل قبل است.

او مدت زیادی انتظار نکشید. ظرف چند دقیقه، دو مرد جوان به اطاق مطالعه آمدند، و نفس نفس زنان التماس می کردند. عجله کن، ماری دارد می میرد! دکتر Dowie پشت سر آنها به خیابان دوید و آنقدر عجله داشت که حتی کلاهش را برنداشت. او از این عصبانی بود که شیطان به این عضو جوان بی گناه از گروه او حمله کرده است.

دکتر Dowie وارد اتاق ماری شد و دید که او دچار تشنج شده است. دکتر او آماده رفتن بود. او به طرف دکتر Dowie برگشت و گفت "آقا آیا راههای خداوند مرموز نیستند؟"

وحی و الهامی که دکتر Dowie از گفتارهای خداوند دریافت کرده بود در قلب او می شوخت. "روش خداوند! چه شجاعانه این جمله را به زبان آوردی! نه آقا این کار شیطان و اهریمن است.

او با پزشکی که یکی از اعضای گروه او بود وارد گفت و گو شد. آیا تو می توانی از ایمانداران خواهش کنی برای نجات جان بیماران دعا کنند؟

دکتر پاسخ داد "تو بسیار هیجان زده هستی آقا، این بهترین روش برای گفتن این مطلب است که اراده خداوند انجام شود و سپس آنجا را ترک کرد. Dowie نوشت "عجیبه! این گفتار کاملاً عجیب است چون من از خشم الهی و دشمنی مخرب و ویرانگر کثیف یعنی بیماری که خواست و اراده شیطان بود دچار شگفتی شدم.

من فریاد زدم، اینطور نیست، اراده و خواست خدا باعث چنین ظلمی نمی شود و من هرگز نخواهم گفت که خواست و اراده خداوند در کارهای شیطان عمل می کند و سپس خود خداوند باعث ویرانی می شود و این یکی از آنهاست. چگونه گفتار خداوند در قلب می سوزد.

دکتر Dowie که از جمله شیطان به ماری خشمگین بود از ایمانداران خواست تا برای مری دعا کنند. چند سال بعد، ای گفت که چیزی شبیه این جمله را دعا کرده است:

پدر من، کمک کن! و روح القدس به من بیاموز که چگونه دعا کنم! از ما دفاع کن او عیسی مسیح، نجات دهنده، شفا دهنده، دوستت، مدافع ما، خدای پدر، بشنو و شفا بده و ابدی. این کودک ضعیف را از همه بیماری ها و مرگ نجات بده. من به این گفتارها ایمان داشتم ما دعا کردیم که وعده الهی تحقق یابد. گفتار خداوند حق است. من خدایی هستم که شما را نجات میدهم. اکنون را شفا میدهم. گفتار الهی حق است. من خداوند هستم. من تغییر نمی کنم. خداوند تغییرناپذیر ثابت کن که شفا دهنده هستی. گفتار خداوند حق است. این علائم

باعث خواهند شد که آنها ایمان بیاورند. آنها به نام من دستهایشان را روی فرد بیمار خواهند گذاشت و آنها بهبود خواهند یافت و من ایمان دارم و من دستهایم را به نام عیسی مسیح روی او گذاشتم و خواستم که وعده او تحقق یابد کلام خدا حق است. دعای در ایمان حال بیماران را نجات خواهد داد. من فریاد زدم من به تو اعتماد دارم، جان او را نجات بده، در نام عیسی مسیح، آمین.

تشنج دختر فوراً از بین رفتن و او در چنان خواب عمیقی فرو رفت که مادرش ترسید که شاید او مرده باشد. دکتر Dawie با شادی به او اطمینان داد که او نمرده است. من دیدم که عیسی مسیح یکبار دیگر در خانه پطری صدا را شنید و دخترک را لمس کردی و تب از او دست کشید.

پس از چند دقیقه، دکتر Dowie ماری را بیدار کرد. او مری را بیدار کرد. او به طرف مادر برگشت و گفت: من احساس سلامتی می کنم.

دکتر Dowie با به خاطر آوردن اینکه چگونه عیسی مسیح دخترک را کمک کرد، از دخترک پرسید گرسنه ای؟ او گفت بله، من خیلی گرسنه ام.

دکتر Dowie به پرستار ماری آموزش داد که یک فنجان کاکائو و مقدایر نان و کره به او بدهد. او به آرامی از خداوند تشکر کرد و به اتاق بعدی یعنی جایی رفت که برادر و خواهر بیمار او که مبتلا به طاعون بودند خوابیده بودند. بعد از دعا آنها هم شفا پیدا کرده و بهبود یافتند.

دکتر Dowie هنگامی که خانه ای را ترک می کرد که در آنجا عیسی مسیح بعنوان شفادهنده پیروز بوده است به یاد آورد که من نتوانستم این کار را انجام دهم ولی در قلبم صدای شادی را داشتم که از آسمان بگوش می رسید و من حتی اندکی از کارهای عجیب و از این کشف که او امروز هم مثل قبل بوده است، شگفت زده شدم.

از آن روز به بعد دکتر Dowie به مردم از طریق شفای الهی کمک می کرد و برای شفای آنها دعا می کرد. او دیگر کسی را به خاطر مرض طاعون از دست نداد.

ولی این موضوع عجیب نیست که این دکتر که عضوی از کبیسای Dowie بوده بتواند مردم را درمان کند و به آنها دارو بدهد ولی وقتی آنها فراتر از کمک علوم دارویی می روند او خواست خداوند را فرا می خواند؟

این موضوع مرا شگفت زده کرد که مردم داروها را استفاده خواهند کرد و هر کاری که می توانند برای بدست آوردن سلامتی انجام می دهند ولی اگر شما پیشنهاد کنید که آنها کسی را دارند که برای شفای آنها دعا می کند آنها خواهند گفت که شاید خواست خدا این نباشد که مرا شفا دهد.

منظور من این نیست که برای غیرمعتبر ساختن حرفه پزشکی، پزشکان با همان شری که ما در حال مبارزه با آنها هستیم، مبارزه می کنند و من فقط می خواهم خاطرنشان کنم این منطق و استدلال انسانی و تفکر غلط است و باعث عدم دریافت شفا و سلامتی بسیاری از مردم شده است.

دکتر lillian دکتری بود که جراحی و پزشکی را چندین سال قبل در بزرگترین بیمارستان های نیویورک انجام می داد. او از مواد مخدر برای آرامش اعصاب و کمک به خواب و در زمانی که احساس خستگی در اثر کار زیاد می کرد استفاده می نمود. بتدریج او آنقدر به مواد مخدر بخصوص مورفین وابسته شد که یک معتاد شد. او روزانه ۵۰ بار از دز نرمال مورفین تجویز شده برای یک زن جوان به اضافه دیگر داروها استفاده می کرد.

گرچه دکتر yeomans کلیه معالجه های برجسته هرروزه خود را انجام می داد و سعی می کرد که مصرف مواد مخدر را کنار بگذارد ولی اوضاع مرتباً بدتر می شد. یک پرستار او را بعنوان اسکلتی که یک شیطان درون اوست توصیف کرد. دوستان او اوضاع او را ناامیدکننده توصیف کردند.

دکتر yeomans بعنوان یک زن جوان نجات یافت ولی به فساد کشیده شد. وقتی خود را در مقابل دربهای مرگ یافت او متوجه شد که برای یک مدت طولانی مقررات تورات و انجیل را نادیده گرفته است و به دوستی با خداوند برگشت و در سال ۱۸۹۸ از عادت مصرف مواد مخدر وحشتناک که زندگی او را احاطه کرده بود شفا یافت.

بعد از بدست آوردن سلامت، دکتر yeomans به مدت ۴۰ سال چهار کتاب اول انجیل را موعظه می کرد. وقتی او و دخترش دارایی را به ارث بردند آنها این دارایی را به یک معبد برگرداندند و به مردن و افرادی که به دنبال بدست آوردن شفا برای بدنشان بودند کمک کردند.



دکتر yeomans گفت آنها به همه این افراد شفایافته از طریق کارکردن به آنها تا زمان رسیده به ایمان کامل در قلب هایشان (روح القدس) برای دریافت شفا از سوی خداوند کمک می کردند. او در یکی از کتابهای خودش مثال زیر را در ایجاد ایمان و یک بیمار ارائه می دهد:

روزی یک زن در آخرین مراحل بیماری سل به خانه آورده شد. دکترها استفاده از دارو برای وی را کنار گذاشته بودند. وقتی آمبولانس او را به خانه آورد دکتر yeomans می دانست که این زن می میرد. دکتر yeomans شروع به مصرف داروهای مخدر قوی برای او کرد.

در عوض، زن به طبقه بالایی برده شد و دکتر yeomans شروع به خواندن کتاب مقدس برای او کرد. او حدود دو ساعت را صرف خواندن آیاتی د باره شفای الهی نمود بخصوص از غلاطیان ۱۲:۳ Galatian 3:13 و تثنیه ۲۲:۲۸

Deuteronomy 28:22

سپس او به زن در حال مرگ آموزش داد که برای خودش این عبارت را در لحظه بیداری تکرار کند. "بر طبق Deuteronomy 28:22، سل یک لغت شریعت و از قانون خداست. ولی بر طبق غلاطیان ۱۲:۳ Galatian 3:13 عیسی مسیح مرا از لعنت شریعت نجات می دهد. بنابراین این بیماری زیاد طول نخواهد کشید.

صبح وز بعد دکتر yeomans از زن پرسید که آیا او آنچه را که به او آموزش داده است تکرار کرده است یا خیر. او پاسخ داد که او ۱۰۰۰۰ بار آن را تکرار کرده است ولی نمی تواند بفهمد که معنی آن چیست. دکتر Deomans آیات

بیشتری را برای او خواند و از او خواست که آنها را تکرار کند. روز بعد داستان همین بود. در صبح روز سوم زن هنوز متوجه معنی آیات نشده بود. دکتر yeoman برای او دعا کرد گرچه سه شب در خانه ایمان بود. (من فکر می کنم گاهی اوقات ما به سرعت برای مردم دعا می کنیم. ما باید به آنها آموزش دهیم که روی گفتار اول بیشتر تاکید کنند).

در بعدازظهر روز سوم، دکتر yeoman و خواهرش در آماده کردن عصرانه کمک می کردند که صدای مهمه را از بالای پله ها شنیده شد. بیمار جدید آنها با شتاب از پله ها پایین می آمد و با بلندترین صدا فریاد می زد خواهر yeoman می دانی؟ عیسی مسیح مرا نجات داد و من دیگر سل ندارم. این بیماری در من از بین رفته است.

در این هنگام دکتر yeoman دریافت که این راه یافتن به قلب از طریق فکر است. او می دانست اگر این زن می توانست کلمات را به مقدار کافی برای خود بگوید بر طبق Deuteronomy، سل یک بلا از قانون شریعت الهی است ولی بر طبق Galatians 3:13 عیسی مسیح مرا از بالای قانون نجات داده است بنابراین من دیگر سل ندارم. حقیقت به تدریج در قلب او ثبت شد.

## فصل ۳

### رهایی از بلای مرگ

عیسی مسیح ما را از بلای شریعت که تبدیل به یک لعنت ما شده است نجات می دهد. چون سرنوشت شده است. معلوم کسی است که بر صلیب کشیده نشده باشد. این رحمت برکت ابراهیم است که از طریق عیسی مسیح به غیر یهودیان می رسد و ما می توانیم وعده الهی را از طریق ایمان دریافت کنیم.

اولین بلایی که خداوند گفته است بخاطر شکستن قانون شریعت او نازل می شود در پیدایش ۱۷:۲ Genesis یافت می شود که در آن خداوند به آدم می گوید در روزی که تو از آن درختی بخوری قطعاً خواهی مرد.

به آدم و حوا اجازه داد تا میوه تام درختان در باغ بهشت را بجز میوه درختی را که به عنوان درخت شیطان معرفی شده بود بخورند. بلای مرگ در صورتی که آنها از قانون خداوند سرپیچی می کردند بر آنها نازل می شد. پیدایش ۲۲- Genesis ۲۴:۳ به ما می گوید آدم از قانون خداوند نافرمانی کرد و از باغ بهشت رانده شد و دیگ نمیتوانست از میوه درخت زندگی بخورد. او اسیر گناه و مرگ شد.

مرگ همیشه یک راز برای انسان بوده است. این بخشی از خلقت و بخشی از طرح اصلی خداوند است. کتاب مقدس به ما می گوید که حتی مرگ فیزیکی دشمن خداوند و انسان است. قسمت اول قرنتیان ۲۶:۱۵ Corinthians به ما می گوید که مرگ فیزیکی آخرین دشمن است که انسان را در بر می گیرد.

قبل از اینکه بتوانیم مرگ را درک کنیم باید بفهمیم که انسان یک موجود

فیزیکی نیست. انسان روحی است که زندگی در بدن اوست. These.5:23

عیسی مسیح به نیکودیموس می گوید: ما باید دوباره متولد شویم.

نیکودیموس پرسید: چگونه یک انسان می تواند دوباره زنده شود وقتی که پیر

شده است؟ آیا او می تواند دوباره وارد رحم مادر شود و دوباره متولد شود؟

عیسی مسیح اینگونه شرح داد که آنچه که از بدن متولد می شود، بدن است و

آنچه از روح متولد می شود روح است.

تولد دوباره، در واقع تولد دوباره روح انسان است. انسان واقعی، روح است.

روح از طریق جان عمل می کند. عقل، حس ها و اراده. و روح از طریق بدن

عمل می کند.

شمای واقعی (روح و جان شما) و جان شما در یک بدن فیزیکی زندگی می

کنند. وقتی شما بصورت فیزیکی می میرید، روح شما و جان شما بدنتان را

ترک می کند و به خانه ابدی شما می رود.

در like، عیسی مسیح به ما تجربه ای از مرد ثروتمند ایلعازر

LUKE 16:19-34

یک مرد ثروتمندی بود ه جامه ارغوانی و کتانی مرغوب می پوشید و هر روزه

غذاهای خوب می خورد. و یک گدا به نام ایلعازر نیز وجود داشت که در مقابل

دروازه خانه او می خوابید و پر از زخم بود. و آرزو داشت که از باقیمانده

غذاهایی که از خانه مرد ثروتمند دور ریخته می شد، بخورد. به علاوه سگها می آمدند و زخم های او را لیس می زدند.

مدتی گذشت و گدا مرد و توسط فرشتگان به آغوش ابراهیم برده شد (توجه کنید که فرشتگان او را حمل کردند نه بدن او را بلکه روح و جان او را به آغوش ابراهیم حمل کردند). مرد ثروتمند نیز مرد و دفن شد. در گور او چشم هایش را باز کرد و دید که در شکنجه و عذاب است و ابراهیم دور از او نشسته است و ایلعاذر در آغوش اوست. او فریاد زد و گفت سرورم ابراهیم به من رحم کن و به ایلعاذر بگو که بیاید و نوک انگشتش را در آب فرو ببرد و زبانم را تر کند چون من در این آتش در رنج و عذابم. ایلعاذر و مرد ثروتمند هر دو به هوش بودند. مرد مثل یک حیوان نمرده بود چون برخی از شما معتقدید که مرگ به این گونه است و چیزی به نام خواب روح وجود ندارد.

انواع مختلفی از مرگ در کتاب مقدس بیان شده است ولی سه نوع مرگ وجود دارد که باید با آن آشنا شویم:

۱-مرگ روحانی (روحی) ۲-مرگ فیزیکی ۳-مرگ ابدی یا مرگ ثانویه که در دریاچه قرار می گیریم و با آتش و گوگرد سوزانده می شویم.

مرگ روحی مرگی است که به جای بدن روح ما را در بر می گیرد. مرگ فیزیکی نمایانگر مرگ روانی است. مرگ ثانویه مرحله نهایی مرگ است یا خانه مرگ روحی است.

مرگ روحی نخست در زمین اتفاق می افتد و سپس در بدن فیزیکی از طریق ویران کردن آن جلوه می کند. مرگ فیزیکی یک جلوه از قانون است که در آن جریان دارد. پولس آن را قانون گناه و مرگ می نامد. رومیان ۲:۸

وقتی خداوند به آدم گفت در روزی که از میوه این درخت بخوری خواهی مرد، او به مرگ فیزیکی اشاره نکرد بلکه منظور مرگ روحی بود. اگر آدم با انسان هرگز از روحی نمی مرد از نظر فیزیکی هم نمی مرد. مرگ روحی به معنی جدا شدن از خداوند است.

لحظه ای که آدم مرتکب گناه شد او از خدا جدا شد. طبق عادت به زمین آمد تا با آدم قدم بزند و با او صحبت کند از او پرسید عصر همان روز آدم صدای خداوند را که در باغ راه می رفت شنید و خود را لابلای درختان پنهان کرد خدا پرسید: «آدم کجایی؟» آدم جواب داد من خودم را پنهان کرده ام. او از خداوند جدا شده بود.

مرگ روحی چیزی فراتر از جدایی از خداوند است. عیسی مسیح به فریسیان (Pharisees) می گوید: یوحنا ۴:۸ فرزندان پدر واقعی تان شیطان می باشد و بی بند و باری های که سرور تو انجام میدهم تو هم انجام خواهی داد. او از ابتدا یک جنایتکار بوده و جاودانگی حقیقت در وجود او وجود نداشته چون حقیقتی در او وجود ندارد. وقتی او دروغ می گفت او در واقع از خودش حرف می زد چون او یک دروغگوست و سرور او نیز اینگونه بوده است.

فریسیان بسیار مذهبی بودند. آنها روز یکشنبه به عبادت گاه می رفتند. عبادت می کردند و ده یک دارایی شان را می پرداختند. روزه می گرفتند و کارهای خوب زیاد دیگری می کردند. ولی در باره مسیح بودن عیسی و مرگ او دروغ می گفتند. عیسی مسیح به آنها گفت که آنها فرزندان شیطان هستند. آنها خصلت شیطان را داشتند.

مرگ معنوی و روحی به معنی داشتن شیطان است درست مثل اینکه دریافت حیات ابدی به این معنی است که ماهیت خداوند در درون ماست.

وقتی آدم و حوا به حرف شیطان گوش کردند او سرور روح آنها شد و آنها در روح خود ماهیت شیطان را داشتند. این مرگ روح (معنوی) است. آن ماهیت فوراً خود را در خانواده انسان نمایان می سازد به تدریج اولین فرزند پسر آدم و حوا، فرزند روم را به قتل رساند.

اکنون انسان با شیطان متحد می شود. او یک خارج شده از قانون الهی و رانده شده از باغ اهدشت می باشد که هیچ زمینه و راه شرعی برای رسیدن به خدا برای او وجود ندارد.

انسان دیگر به صلاح خداوند پاسخ نمی دهد. او تنها به ماهیت وزارت جدیدش پاسخ می دهد. اکنون او به سرور جدیدش پاسخ می دهد. انسان چیزی فراتر از یک گناهکار است. چیزی فراتر از یک نقض کننده قانون خداوند و معصیت کار. انسان از نظر روحی فرزندان شیطان است و او بخشی از ماهیت سرور خویش است.

این موضوع شرح میدهد که چرا انسان نمی تواند با انجام کارهای خوب نجات داده شود. او باید دوباره متولد شود. اگر انسان فرزند شیطان نبود، می توانست به حق عمل کند و همه اعمال او درست بود. ولی چون او فرزند شیطان است حتی اگر او سعی مند که کار خوب انجام دهد ولی وقتی می میرد به دوزخ می رود به دریاچه ای که در آن با آشت و گوگرد سوزانده می شود و این مرگ ثانویه است.

چرت انسان نمی تواند در مقابل خداوند و در حضور خداوند بایستد چون ماهیت سرور او یعنی شیطان در درون اوست. انسان باید توسط کسی که جبران گناهان او را می کند و به غاو یک حیات و ماهیت دوباره و جدید می دهد نجات داده شود.

شما ممکن است یک قاطر پیر داشته باشید و سعی کنید که او را به یک مسابقه اسب دوانی ببرید. این امکان پذیر نیست. شما می توانید دندانهای او را صاف کنید، سم هایش را پلش کنید بهترین غذاها را به آن بدهید هر روز در اطراف مسیر او را بدوانید و در بهترین اصطبل او را نگهدارید. در روز مسابقه و ثنی صدای تیر درمی آید تنها کاری که این حیوان می تواند انجام دهد این است که در مسیر مسابقه خرامان خرامان بدود چون آن یک قاطر است. این کار او نیست بلکه ماهیت و ذات او نیست که یک اسب مسابقه باشد.

شما می توانید یک اسب مسابقه داشته باشید و حتی مراقبت مناسبی از آن نکنید وقتی صدای تیز مسابقه به صدا درمی آید این حیوان به راه می افتد



چون این ماهیت و ذات اوست. او برای مسابقه دادن مستعد است. برای اینکه آن الاغ پیر تبدیل به یک اسب مسابقه یا شود باید بعنوان یک اسب مسابقه دوباره متولد شود و این غیرممکن است.

انسان که دارای روحی است که در بدنش زندگی می کند می تواند دوباره متولد شود. ماهیت و ذات او قابل تغییر است. او می تواند یک مخلوق جدید در عیسی مسیح باشد.

مهم نیست که انسان چقدر باسواد باشد، چقدر پول داشته باشد یا چقدر مذهبی باشد فقط این مهم است که انسان نمی تواند در حضور خداوند بایستد چون ماهیت او درست نیست.

انسان امروز خود را بخاطر آنچه که انجام می دهد از دست نمی دهد بلکه بخاطر آنچه که هست امروزش را از دست میدهد (آنچه که او انجام میدهد ماحصل ماهیت اوست). انسان به حیات و زندگی از سوی خداوند نیاز دارد چون او از نظر روحی و معنوی مرده است. عیسی مسیح ما را از مرگ معنوی و روحی نجات داد! خدا را شکر.

یوحنا: ۲۶ پدر در خود حیات دارد، بنابراین به فرزند خود نیز حیات می بخشد.

عیسی مسیح، انسان جدید در خود مرگ ندارد. او مثل ما متولد نشده است. او دارای ماهیت معنوی مرگ در خود نیم باشد یعنی در درون او شیطان نیست Hebrews 2:9 می گوید او مرگ را برای همگان آزمایش می کند. Hebrews 2:9 او

ماهیت گناه ما را به خود می‌گیرد یعنی همان مرگ روحی را و بدین ترتیب ما می‌توانیم حیات ابدی داشته باشیم.

عیسی مسیح می‌گوید در یوحنا ۱۰:۱۰: شيطان نیم اید مگر برای دزدیدن، کشتن و نابود کردن. من برای دادن حیات می‌آید تا هر کس به میزان فراوان از آن بهره مند باشد.

یوحنا ۲۴:۵ همچنین او می‌گوید من به شما می‌گویم هرکس که صدای مرا بشنود و به من ایمان داشته باشد حیاتش طولانی خواهد شد و تقبیح نمی‌شود و از مرگ عبور کرده و به حیات رسیده است.

عیسی مسیح برای نجات ما از مرگ معنوی و روحی آمده است. آدم با رد گفتار خداوند در درخت زندگی خورد. ولی بر طبق Revelation همه آنهایی که اکنون گفتار خداوند را پذیرفته و از آن اطاعت می‌کنند به درخت حیات برگردانده می‌شوند.

این تولد جدید به تدریج اتفاق نمی‌افتد. این یک روند آنی است. این هدیه ای است که از سوی خدا در لحظه ایمان آوردن ما به ما اعطا می‌شود.

افسیان ۱:۲ Eohesiand می‌گوید که شمایی که در اثر گناه و تخلف مرده اید (مرگ روحی) او شما را دوباره زنده می‌کند. آیات ۸ و ۹ به ما می‌گوید که این چگونه اتفاق می‌افتد.

Epgesias 2:8.9

ولی او نمی تواند. او باید تسلیم ناامیدی و ناتوانی شود. او باید بپذیرد که یک گناهکار شکست خورده است و این چیزی است که کتاب مقدس می گوید. سپس او باید هدیه نجات را که عیسی مکیح برای او آورده است بپذیرد رومیان ۸:۱۴-۱۶ چون آنها با روح خداوند هدایت می شوند، آنها فرزندان خداوند هستند.

چون شما روح بردگی دوباره را دریافت نکرده اید. ولی روح پذیرش و تسلیم را دریافت کرده اید و ما فریاد می زنیم پروردگارا (ای پدر) روح خود به معنویت ما و اینکه ما فرزند خداوند هستیم اعتقاد دارد.

آیا شما از مرگ روحی گذشته و به زندگی معنوی وارد شده اید؟ آیا خداوند پدر شماست؟ آیا نمی توانید به آسمان نگاه کرده و بگویید ای خدای پدر؟ آیا روح او در روح شما، شهادی بر این امر است که شما فرزند خداوند هستید؟ آیا شما روح القدس را در روحتان دارید که فریاد بزند پروردگارا؟ اگر شما دوباره متولد شوید اینکار را انجام می دهید.

اگر شما اینطور نیستید عیسی مسیح را بعنوان ناجی خود همین امروز بپذیرید.